



زندگی در کره شمالی

حسرت نمی‌خوریم

باربارا دمیک | ترجمه زینب کاظم خواه

فهرست

۷.....	مقدمه
۱۱.....	فصل یک: گرفتن دست‌ها در تاریکی
۳۳.....	فصل دوم: خون ناخالص
۶۱.....	فصل سوم: معتقدان واقعی
۹۱.....	فصل چهارم: محو شدن در تاریکی
۱۱۷.....	فصل پنجم: افسانه ویکتوریایی
۱۴۱.....	فصل ششم: غروب خداوند
۱۵۹.....	فصل هفتم: دو بطری آبجو برای تزریق به شما
۱۷۹.....	فصل هشتم: آکاردئون و تخته‌سیاه
۲۰۳.....	فصل نهم: خوبان زودتر می‌میرند
۲۲۳.....	فصل دهم: مادران نوآوری
۲۴۱.....	فصل یازدهم: چلچله‌های آواره
۲۶۱.....	فصل دوازدهم: بی‌نظمی خوشایند
۲۷۷.....	فصل سیزدهم: قورباغه‌ها در چاه
۲۹۵.....	فصل چهاردهم: رودخانه
۳۱۳.....	فصل پانزدهم: ظهور عیسی مسیح
۳۲۷.....	فصل شانزدهم: مبادله پرندگان
۳۴۵.....	فصل هفدهم: چشم‌هایت را باز کن، دهانت را ببند
۳۵۷.....	فصل هجدهم: سرزمین موعود

فصل نوزدهم: غریبه‌ها در سرزمین پدری	۳۷۷
فصل بیستم: تجدید دیدار	۳۹۳
فصل بیست و یکم: انتظار	۴۱۹

مقدمه مترجم

کتاب حسرت نمی‌خوریم داستان مردم کره شمالی است، داستان پناهندگانی که از چونگ جین کره شمالی فرار کرده‌اند و حالا در کره جنوبی زندگی می‌کنند. کتاب حاصل گفتگوهای روزنامه‌نگار لس‌آنجلس تایمز، باربارا دمیک، در زمان سکونتش در کره جنوبی است. این اثر در ۲۰۱۰ جایزه اثر غیرداستانی ساموئل جانسون بی‌بی‌سی را از آن خود کرد. همچنین همان سال جزو آثار راه‌یافته به مرحله نهایی جایزه ملی انگلستان نیز بود. عنوان حسرت نمی‌خوریم از موسیقی یکی از فیلم‌های محصول ۱۹۷۰ کره شمالی به نام «هیچ چیز در دنیا نیست که حسرت آن را بخوریم» برگرفته شده است. به نظر می‌رسد آن‌ها همچنان به این موضوع باور دارند؛ زیرا در باره زندگی در خارج از مرزهای کشورشان اطلاعات کمی دارند و دولت اجازه ورود اطلاعات گسترده را به این کشور نمی‌دهد. با این همه، در سال‌های اخیر، به لطف قاچاقچیان که از رودخانه تومن عبور می‌کنند، اطلاعاتی اندک به کشور رسوخ می‌کند اما همچنان رسانه‌های کره شمالی سعی در پوشاندن حقایق دنیای خارج دارند. هنوز رهبر کره شمالی، کیم جونگ اون، نسبت به اطلاعات و محصولات که از خارج می‌آید سخت‌گیر است، اما در خیلی موارد هم ناموفق بوده است. یکی از

دلایلش شاید این باشد که پلیس برای آزاد کردن قاچاقچیان که فیلم و سریال به کشور وارد می‌کنند رشوه می‌گیرد، در نتیجه آن‌ها همچنان به کارشان ادامه می‌دهند و نهر باریک اطلاعات از این طریق وارد کشور می‌شود.

دمیک در این اثر با بیش از ۱۰۰ پناهنده گفتگو کرده و روی شهر چونگ جین بیش از همه تمرکز کرده است، زیرا این شهر حتا از پایتخت این کشور، یعنی پیونگ یانگ، برای توریست‌ها قابل‌عرضه‌تر است. دولتمردان کره شمالی شهر چونگ جین را ویتترین این کشور می‌دانند، ویتترینی خوش آب و رنگ تا توریست‌های اندکی را که به کشور وارد می‌شوند اغوا کنند.

این کتاب شش شخصیت اصلی دارد. یک زن خانه‌دار و دخترش، اواک هی، معلمی به نام می-ران که دختر یک کارگر معدن است، جون سونگ، دانشجوی یکی از بهترین دانشگاه‌های کره شمالی، کیم هیوک پسر بچه‌ای خیابانی و دکتر کیم.

هر آنچه در این کتاب آمده است بر اساس خاطرات این پناهندگان است؛ این‌که آیا آن‌ها همان قدر که ادعا می‌کنند رهبرشان را دوست داشتند؟ آیا قحطی در این کشور به همان میزانی بود که آن‌ها نشان داده بودند؟ سختی‌های زندگی در کره شمالی و خیلی نکات دیگر، چیزهایی است که فقط می‌توان از میان حرف‌های آن‌ها فهمید. معیاری دیگر بر راستی یا ناراستی حرف‌های آن‌ها وجود ندارد، اما طبق صحبت‌های توریست‌هایی که به این کشور سفر کرده‌اند، مردم آن‌جا همچنان اینترنت ندارند و غیر از پیونگ یانگ که از رفاه برخوردار است، حومه آن همچنان با بحران کمبود غذا مواجه است.

این روزها کره شمالی تمام تلاشش را می‌کند که مانند هند و پاکستان در زمینه قدرت هسته‌ای در دنیا شناخته شود. کیم جونگ اون، که در

۲۰۱۱ و در بیست و هشت سالگی رئیس‌جمهور این کشور شد، فرماندهی چهارمین ارتش بزرگ جهان، یک زرادخانه هسته‌ای بزرگ و تسلط مطلق بر کره شمالی را به ارث برد. او همچنان اداره این کشور را در دست دارد و از زمان حکومتش بر این کشور بیش از پنج بار آزمایش هسته‌ای انجام داده است. در ۲۰۱۲ این کشور اولین ماهواره خود را به فضا پرتاب کرد و از زمان به قدرت رسیدن کیم جونگ اون ساخت موشک‌های بالستیک و تسلیحات هسته‌ای در این کشور سرعت بیش‌تری گرفت.

سال گذشته این کشور دو آزمایش هسته‌ای ترتیب داد و بیش از ۲۰ موشک بالستیک را به هوا فرستاد. دولت دونالد ترامپ، اخیراً به کره شمالی هشدار داد که صبر استراتژیک این کشور در قبال پیونگ یانگ به پایان رسیده است. پیش از این نیز رزمایش مشترک کره جنوبی و آمریکا در ماه مارس، بر تنش میان واشنگتن و پیونگ یانگ افزوده بود.

در سپتامبر ۲۰۱۶، کیم جونگ اون شخصاً بر پنجمین و بزرگ‌ترین آزمایش هسته‌ای کشورش نظارت داشت. بر اساس برخی گزارش‌ها قدرت انفجار حاصل از این کلاهک هسته‌ای بسیار قدرتمندتر از بمبی پیش‌بینی شد که به هیروشیما اصابت کرد. کیم جونگ اون همچنان با موشک‌های بالستیک ساخت کشورش هر روز یک کشور را تهدید می‌کند، اما این تمام خبری است که از کره شمالی می‌دانیم. دنیا هنوز نمی‌داند در این کشور تاریک چه می‌گذرد. هیچ‌کس نمی‌داند آیا مردم غذای کافی برای خوردن دارند یا نه. تمام اطلاعاتی که داریم از کسانی که دست آمده است که جانشان را در دست می‌گیرند و از آن کشور فرار می‌کنند.